

## ورود نظامی های ایران به جنبش های اجتماعی (5)

این بخش آخر از گاه شمار جنبش های انقلابی ایران از آستانه و صدر اسلام تا پایان کار رضاشاه و فرار او از ایران است. سال های سلطنت محمدرضا شاه، انقلاب 57 و سپس قیام ها و جنبش های اجتماعی سال های نیمه دوم جمهوری اسلامی فصول دیگری اند که در این گاه شمار نیامده و نویسنده و نویسندگان آن امان نیافتند تا بنویسند و یا حق حیات نیافتند تا ببینند و بنویسند. آنچه تاکنون منتشر کردیم، سند تحقیقی بسیار ارزنده ای بود و هست که در سال 1349 توسط حزب توده ایران منتشر شد و بی شک محقق بزرگ تاریخ و ادبیات ایران "احسان طبری" در نگارش و تدوین آن نقش اصلی را داشته است. ما توصیه می کنیم این گاه شمار را با دقت کامل، نه یکبار و بارها بخوانید و در تکثیر و انتشار آن در داخل کشور همت کنید. نباید اجازه داد تاریخ واقعی ایران زیر انبوهی خرافات و تحریفات مذهبی-حکومتی دفن شود. این گاه نامه، کارنامه افتخار یک ملت است.

### قیام خدوردی

پس از انقلاب اکتبر جنبش های وسیع دهقانی شمال و شرق خراسان را در بر گرفت. دهقانان کرد ساکن شمال خراسان به رهبری خدوردی نام که قبلا چوپان یکی از خوانین زعفرانلو بود، قیام کردند. این جنبش در نواحی دیگر خراسان نیز تاثیر کرد. قیام از شهر شیروان که مرکز آن بود تجاوز کرد و نواحی قوچان و باجگیران را در بر گرفت. قوام السلطنه استاندار خراسان با عده ای از سران ایلات کرد و بلوچ این جنبش را سرکوب کردند (اوت 1920 م).

### قیام کلنل

کلنل محمد تقی خان پسیان عضو حزب دموکرات، افسر برجسته ژاندارمری بود که از لحاظ ایدئولوژی دارای افکار انقلابی خرده بورژوازی، مخالف حکومت اشراف، طرفدار حکومت دموکراتیک و در سیاست خارجی مخالف نفوذ انگلیس ها بود. کودتای حوت 1299 سیدضیاء الدین و پیدایش رضا خان سردار سپه که ظاهرا قرارداد 1919 را لغو و اشراف و اعیان و عده ای از فنودال ها را زندانی کردند، ابتدا کلنل را امیدوار کرد، اما با سرکارآمدن قوام السلطنه که کلنل او را به خوبی می شناخت این امید به یأس مبدل شد و او را به قیام واداشت. کلنل با قوای مسلح خود و با یاری عده ای از آزادیخواهان، منطقه خراسان را از حیطه اقتدار حکومت مرکزی رهاند، کمیته ای از نمایندگان طبقات مختلف بنام "کمیته ملی" تشکیل داد. این کمیته با شعار اصلاحات ارضی به روستا رفت، ولی دست به اقدامات اساسی نزد قوام السلطنه که با سران عشایر فنودال های محلی روابط دوستانه داشت، آن ها را علیه کلنل تحریک کرد و آتش فتنه را از هر طرف برافروخت. کلنل که مردی دلیر و بی پروا بود در زد و خوردی با اکراد شخصا در نبردی نابرابر شرکت کرد و کشته شد. سپس قوای دولتی که مدتها منتظر فرصت بودند به مشهد وارد شدند و به این طریق قیام سرکوب گردید.

کلنل که زمانی به کمک آلمان ها امیدوار بود، پس از انقلاب اکتبر جانبداری جدی حکومت جوان شوروی گردید و احساسات بسیار دوستانه ای از خود در نطق هایش نسبت به این حکومت نشان داد.

## قیام لهاک خان باوند

در سال 1926 پادگان بجنورد تحت فرماندهی ستوان لهاک باوند (سالار جنگ) مسلحانه قیام نمود. پشتیبان این قیام توده های دهقانی بودند که خاطره جنبش دهقانی خراسان و مبارزه خاوردی کرد را به یاد داشتند. مهمترین شعار این قیام مصادره و تقسیم بلاعوض املاک بین دهقانان بود. شعارهای دیگر تغییر مالیات ها به نفع پیشه وران و کسبه شهرها، برقراری مالیات بر عایدات، استقرار حکومت جمهوری و قطع نفوذ انگلیس ها بود. این قیام از طرف دولت با کمک انگلیس ها که هواپیماهای خود را بکار انداختند، در 18 ژوئیه 1926 فرو نشانده شد و لهاک خان به اتحاد شوروی پناه برد.

## قیام لاهوتی

ماژور (سرگرد) لاهوتی از دموکرات های با سابقه ای بود که در دوره "مهاجرت" به ترکیه رفت و پس از پایان جنگ و خاتمه جنبش خیابانی بازگشت، مورد عفو واقع و در ژاندارمری تبریز با درجه سرگردی پذیرفته شد. در این موقع رضاخان (سردار سپه) در مقام انحلال ژاندارمری و الحاق آن به نیروی قزاق به منظور ایجاد ارتش متحد الشکل برآمد. این اقدام را بیشتر افسران ژاندارمری دنباله سیاست انگلستان برای قبضه کردن ارتش ایران می دانستند. علاوه بر این رفتار مستبدانه رضا خان وزیر جنگ را، در مقابل مجلس و دولت ناقض قانون اساسی می شمردند. از این رو چند نفر از افسران ژاندارمری و از جمله آن ها لاهوتی در ماه حوت 1300 نقشه قیامی را بدست افراد ژاندارمری که مدتها حقوقشان نرسیده بود، کشیدند. این افسران ابتدا با افراد فرقه دموکرات که پس از قتل خیابانی مترصد فرصت بودند، تماس گرفته موافقت آن ها را جلب و در یک حمله موفقیت آمیز قسمت مهمی از شهر تبریز را تسخیر کردند و به تمام شهرستانها پیروزی و قیام خود را اطلاع دادند و آن ها را از نیات ضد استبدادی و ضد استعماری خود مطلع نمودند. اردوی دولت در خارج شهر و بعضی از محلات مقاومت می کرد و به حمله نمی پرداخت. سرانجام جنگ سختی بین طرفین درگرفت و بعلت آمادگی افراد ژاندارم نیروی دولتی پیروز شد و لاهوتی به اتحاد شوروی پناهنده و قیام سرکوب گردید.

## قیام پادگان سلماس

در سال 1926 میلادی سربازانی که مدت ها حقوقشان پرداخت نشده بود در شهر سلماس (شاهپور کنونی) قیام کردند، عده ای را از میان خود به رهبری انتخاب و شهر خوی را تصرف کردند. قسمتی از پادگان خوی بدان ها پیوست و هدف قیام از تقاضای حقوق تجاوز کرد و شعارهای دهقانی موضوع اصلی قرار گرفت. دولت پس از اعزام نیروی بزرگی از تبریز و پادگان های اطراف این قیام را سرکوب و رهبران آن را اعدام کرد. بدین ترتیب دفتر قیام های مسلح و جنبش های وسیع خلقی بسته شد و حکومت دیکتاتوری رضا شاه مستقر گردید. تنها جنبشی که به فعالیت خود ابتدا به طور نیم علنی و سپس مخفی ادامه داد حزب کمونیست ایران بود. حزب کمونیست پس از شکست انقلاب گیلان مرکز خود را به تهران منتقل کرد و به تاسیس شعب خود در ولایات دست زد و تا استقرار سلطنت پهلوی از مختصر آزادی استفاده کرده به تلفیق کار علنی و مخفی پرداخت، اتحادیه های صنفی و کارگری بوجود آورد و در درون حزب اجتماعیون دست به فعالیت سیاسی زد. روزنامه هائی وابسته به حزب و اتحادیه های به رهبری حزب منتشر گردید که نقش تبلیغاتی موثری ایفا کردند. حزب کمونیست ایران از همان آغاز عضو انترناسیونال سوم (کمینترن) گردید و از کمک های این سازمان بهره مند شد، ولی در این بین سردار سپه که مدتی تا حدی بدیده اغماض به جنبش های دموکراتیک می نگریست و هنوز آن نیرو را نداشت که در

تمام جبهه‌ها با جنگ، پس از پیروزی در سایر جبهه‌ها و رسیدن به مقام سلطنت حمله خود را علیه نهضت کارگری ایران آغاز کرد. در جنوب، در اصفهان، تبریز و مشهد به اتحادیه‌های کارگری هجوم بردند و آن‌ها را متلاشی کردند. عده‌ای از سران حزب کمونیست و اتحادیه‌ها توقیف گردیدند و سپس "قانون" کذائی 1310 از مجلس دستوری رضا شاه علیه جنبش کارگری به تصویب رسید.

### پنجاه و سه نفر

حکومت دیکتاتوری رضا شاه با سیستم پلیسی خود از هرگونه اجتماع ولو بعنوان مذهبی جلوگیری نمود و هر جنبش را ولو هر قدر کوچک بود با زندان و اعدام سرکوب کرد. شرایط فعالیت برای حزب کمونیست بسیار دشوار شد. قسمت مهمی از نیروهای فعال حزب در زندان‌ها از کار افتادند. قوای تازه و متدهای نوی برای ادامه کار لازم بود. در این موقع است که دکتر ارانی و چند نفر دیگر از یاران او به ایران آمدند و با همکاری چند نفر از اعضای با سابقه حزب کمونیست دست به فعالیت زدند. بدین ترتیب فعالیت تبلیغاتی و تربیت کادرهای جوان آغاز گردید. در دانشکده‌ها و دانشسرای عالی جنبش دانشجویی که چند بار دست به اعتصاب زد به رهبری کانون جدید حزب کمونیست، بوجود آمد. جنبش کارگری می‌رفت رونق تازه‌ای بگیرد که در نتیجه بعضی اشتباهات سازمانی در سال 1316 پلیس این سازمان نو بنیاد را کشف کرد.

ارانی و یاران او وعده‌ای از کسانی که با آن‌ها ارتباط و آشنائی داشتند توقیف و محکوم گردیدند. دکتر ارانی بدست پلیس در زندان از پای درآمد و بقیه یاران او تا ورود ارتش سرخ به ایران و فرار رضاشاه در زندان‌های مناطق بد آب و هوای جنوب و قصر قاجار در حبس ماندند و عده‌ای از آن‌ها در جریان تشکیل حزب توده ایران در سال 1320 نقش قابل توجهی ایفاء کردند.

### نتیجه گیری

از تصویر ناقص و بسیار فشرده‌ای که از جنبش‌ها و قیام‌های مردم ایران در جریان تاریخ دو هزار و پانصد ساله آن داده شد، می‌توان به خوبی دریافت که مردم سرزمین ما ایران هیچگاه از نبرد علیه استعمار و استبداد و غارتگران و ستمگران خارجی و داخلی از پای ننشستند. نیروی واقعی در تمام نبردها قطع نظر از اینکه چه طبقه و یا شخصی به قدرت رسیده، همواره توده‌های مردم بوده‌اند. توده‌ها نقش اساسی را در زندگی اساسی بازی می‌کنند و بدون فعالیت آن‌ها جامعه و قبل از هر چیز انقلاب اجتماعی غیرقابل تصور است. قدرت اصلی محرکه انقلاب همیشه توده‌ها بوده و خواهند بود. هر حزب سیاسی که از توده‌های مردم برید و رابطه خود را با آن‌ها از دست داد تبدیل به فرقه محدود و در بسته‌ای می‌شود که وجود و عدمش یکی است. تجربه تاریخ بطور وضوح نشان می‌دهد که تنها راه پیروزی انقلاب، آگاه کردن، متشکل کردن و به نبرد کشیدن توده‌هاست. این راهی است پیمودنی ولی بسیار دشوار و پرپیچ و خم. این راه را باید پیمود و از تجربه تاریخ درس گرفت.